

راهنمای نگارش
گفتگو

چاپ ششم

ویلیام نوبل

ترجمهٔ عباس اکبری

راهنمای نگارش گفتگو

ویلیام نوبل

ترجمه عباس اکبری

انتشارات سروش

با همکاری

مرکز طرح، برنامه و ارزیابی سیما

تهران ۱۳۹۷

شماره ترتیب انتشار: ۹۳۸ / ۶

فهرست مطالب

- مقدمه: گفتگو عبارت است از ۷
- بخش اول: شاه کلیدهای گفتگونویسی ۲۳
- پیش درآمد ۲۵
۱. خلق تنش ۲۷
۲. آیا او این حرف را خواهد زد؟ (نقش گفتگو در شخصیت پردازی) ۴۱
۳. کجا هستیم؟ (نقش گفتگو در صحنه پردازی) ۵۵
۴. چه اتفاقی می افتد؟ (نقش گفتگو در تحریک داستان) ۶۷
۵. داستان یا واقعیت (آیا تفاوت دارند؟) ۷۷
۶. وجوه مختلف گفتگو ۸۷
- بخش دوم: جزئیات گفتگو ۹۷
- پیش درآمد ۹۹
۷. نشان دهم یا بگویم؟ (گفتگو در مقابل روایت) ۱۰۳
۸. او گفت... آیا او گفت؟ ۱۰۹
۹. آیا شخصیت نیازمند حرکت است؟ ۱۱۷
۱۰. نقش لهجه در گفتگونویسی ۱۲۵
۱۱. انتقال از صحنه‌ای به صحنه دیگر و بازگشت به گذشته ۱۳۱
۱۲. خودگویی (جریان سیال ذهن، خودگویی درونی) ۱۴۰
۱۳. داستان کوتاه یا رمان؟ ۱۴۷
۱۴. گفتگو در گفتگو ۱۵۶

۱۶۴ ۱۵. سؤال و جواب

۱۷۲ ۱۶. اصطلاحات هنری و اصطلاحات عامیانه

۱۸۱ ۱۷. خندانندن از مخاطب

۱۸۹ ۱۸. زمینه‌چینی یا پیش‌گویی آینده

۱۹۹ ۱۹. افتتاحیه و اختتامیه مبتنی بر گفتگو

۲۰۹ ۲۰. آیا باید به ضرباهنگ گفتگو حساس بود؟

۲۱۷ بخش سوم: استفاده نادرست و بیش از حد از گفتگو

۲۱۹ ... ۲۱. آیا از من شکایت خواهد شد؟ (افترا، حقوق زندگی خصوصی)



خلق تنش

وجه مشترک موقعیت‌های زیر چیست؟

- زوجی دست در دست هم قدم می‌زنند. مرد، عاشق زن است و می‌خواهد این موضوع را به او بگوید. هیچ راهی نیست که بدانیم زن چه واکنشی از خود نشان خواهد داد.

- شب گرمی است. زوجی کنار هم‌اند و تمام توجه آنها معطوف به یکدیگر است. عنکبوتی سیاه به طرف آنها می‌خزد.

- زنی که دزدیده شده، سخت با رباپندگان جنگیده است. اکنون خود را در جاده‌ای خاکی و مکانی ناشناخته تنها می‌یابد. هوا لحظه به لحظه سردتر می‌شود. او در شناخت خارج شهر زیاد با تجربه نیست.

این سه موقعیت از نظر داستان چشمگیرند: فقدان اطمینان؛ وجود راز و خطر؛ این که شخصیت‌ها با خیال راحت لک و لک نمی‌کنند؛ این که چیزی آنها را به دردسر می‌اندازد؛ و این که موضوع مطلقاً تحت کنترل نیست.

نتیجه، تنش است. هر خطر داستانی در شرایط موجود خود، تنش و کشمکش ایجاد می‌کند. تنش یعنی قالب اصلی داستان؛ چیزی که خواننده را جذب می‌کند. تنش کلیدی است که اثری بی‌بو و بی‌خاصیت را تبدیل به اثری می‌کند که مایل به خواندنش هستیم.

تنش، از طریق گفتگو به خوبی ارائه می‌شود. در حقیقت، گفتگوی بدون

تنش به درد نمی خورد. دو مثال زیر را در نظر بگیرید:

مرد: «فکر می کنم باید پیاده بریم رستوران.»

زن: «من... من نمی دونم!»

یا

مرد: «فکر می کنم باید پیاده بریم رستوران.»

زن: «حتماً.»

جواب زن، حد تنش را تعیین می کند. در مثال اول، فقدان اطمینان وی به خواننده هم منتقل می شود. چرا او مطمئن نیست؟ از چه می ترسد؟ ولی در مثال دوم، زن موافق است. از این رو، هیچ تنشی در این قطعه نیست. به گزارش می ماند. نه رازی در کار است و نه سؤالی بی جواب.

گفتگو باید تنش ایجاد کند تا مؤثر واقع شود. برای این منظور شیوه های مختلفی وجود دارد. البته، راحت ترین شیوه بحث و جدل و مخالفت است. دو یا سه نفر مثل هم به یک موضوع نگاه نمی کنند. این به معنی مسابقه فریاد یا جا خالی دادن با «بله - خیر» نیست. مخالفت را می توان با ظرافت یا آشکارا نشان داد. جان ایروینگ^۱ در قانون کارگاه سرابگیری^۲ قهرمان داستان، هومر ولز^۳، را در محوطه بسته بندی، در کنار تسمه نقاله وادار می کند تا با کندی کندال^۴ گفتگو کند.

آن دو درباره بارداری کندی صحبت می کنند:

کندی: «اگر سخت کار کنم، امکان داره بتونم سقط کنم.»

هومر ولز که می دانست غیرممکن است، پرسید: «اگه نخوام سقط

کنی چی؟»

کندی پرسید: «چی؟»

هومر: «اگه بخوام باهام ازدواج کنی و بچه رو نگه داری چی؟»

1. John Irving 2. The Cider House Rules 3. Homer Wells

4. Candy Kendall